

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دوازدهم، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۹۹

صفحات: ۴۵-۵۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

جایگاه اجتماعی زنان در رمان های «شوهر آهو خانم» و «ذاکره الجسد»

بیمان صالحی*

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه اجتماعی زنان در رمان های «شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی و «ذاکره الجسد» نوشته احلام مستغانمی است. جامعه پژوهش جایگاه اجتماعی زنان در ایران و الجزایر می باشد. نمونه مورد بررسی رمان های شوهر آهو خانم و ذاکره الجسد است. طرح پژوهش توصیفی - تحلیلی بود. گردآوری داده های پژوهش با روش مطالعه کتابخانه ای با بررسی اسناد و مدارک علمی، با تاکید بر دو اثر انجام شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس تحلیل کیفی و مبتنی بر توصیف بود. نتایج نشان داد، هر دو نویسنده با وجود تفاوت های جنسیتی، فرهنگی، اجتماعی، زبانی و... به خوبی توانسته اند تصویری واقعی از حقوق پایمال شده ی زنان ایرانی و الجزایری را به تصویر بکشند. در هر دو رمان مسائل مشترکی چون: ازدواج اجباری، کار خانگی طاقت فرسا، محرومیت از تحصیل و تحقیر زنان شناسایی شد. این مشکلات که تبدیل به دغدغه های اساسی زنان شده، با سنت شکنی برخی از زنان داستان رو به بهبودی نسبی می نهد و در بحث افتراقات به مسائلی چون آزار جسمی زنان توسط همسران شان، ایفای نقش های مردانه ی زنان و طلاق برای رهایی از همسر آزاری اشاره شده است.

کلید واژگان: جایگاه اجتماعی، زنان، رمان شوهر آهو خانم، رمان ذاکره الجسد

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: p.salehi@yahoo.com)

مقدمه

رنج تاریخی زنان از گذشته‌های دور و در جوامع مختلف وجود داشته است و آنان همواره از بسیاری از حقوق فردی و اجتماعی خویش محروم بوده‌اند و در جوامع مرد سالار مورد ستم و حقارت قرار می‌گرفتند. نمونه‌های این دیدگاه تحقیرآمیز و ستمگرانه را در محرومیت زنان از هرگونه حق انسانی و اجتماعی خود در آثار فیلسوفان یونان باستان و مغرب زمین به وضوح می‌توان مشاهده کرد (قطب، بی‌تا، ترجمه عابدی، ۱۳۵۸: ۹). استناد به سخن سقراط، خود به تنهایی گویای این حقیقت است که: «وجود زن منشأ بحران و انهدام جهان است؛ زن مانند درخت مسمومی است که از بیرون زیبا است ولی وقتی گنجشک‌ها آن را می‌خورند بی‌درنگ می‌میرند» (مردانی، ۱۴۰۰: ۷). از میان اندیشمندان معاصر غربی نیز می‌توان به شوپنهاور^۱ و نیچه^۲ اشاره کرد که با دید منفی خود نسبت به زنان و حقیر و فرودست دانستن زنان (فروغی، ۱۳۸۱: ۵۵۳؛ نیچه^۳، ۲۰۰۰، ترجمه آشوری، ۱۳۷۹: ۲۱۲-۲۰۹) ادامه دهنده راه سایر اندیشمندان قدیمی گشتند. در این میان تعدادی از سیاستمداران غرب نیز همگام با اندیشمندان گشتند و در قرن هجدهم میلادی و حتی پس از انقلاب کبیر فرانسه، نمایندگان مجلس فعالیت زنان را در بیرون از محیط خانه تهدیدی جدی برای عموم جامعه می‌دانستند و زنان را از هرگونه فعالیت اجتماعی از جمله حضور در انجمن‌های سیاسی منع می‌کردند (میشل^۴، ۱۹۹۸، ترجمه زنجانی‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۲). هم‌زمان با رشد اقتصادی و فرهنگی در قرن نوزدهم و بیستم و تغییر لوایح قانون در راستای حقوق زنان و پیدایش حرکت‌های آزادی خواهانه، زنان توانستند به مقداری از حقوق قانونی خود دست یابند و به تدریج رفع تبعیض‌های حقوقی ناشی از جنسیت با تأکید بر حقوق انسانی، منشأ تمامی معاهدات و دستورالعمل‌های بین‌المللی قرار گرفت (سلدن^۵، ۱۹۹۴، ترجمه مخبر، ۱۳۷۲: ۲۵۶).

وضعیت سیاسی-اجتماعی موجود در کشورهای عربی به دلیل سلطه‌ی حاکمان خودکامه، تسلط بیگانگان، درگیری‌های سیاسی و فقر اقتصادی و فرهنگی در این جوامع، طی قرون گذشته، مانع از رشد و پیشرفت عموم جامعه مخصوصاً قشر زنان بوده است. (الموسوی، ۱۳۸۱: ۱۲). با انحلال رسمی حکومت عثمانی در سال ۱۹۲۴، زمینه برای پاره‌ای حرکت‌های اصلاح طلبانه فراهم گردید. استعمار غربی بر کشورهای عربی از جمله مصر، الجزایر، عراق و... در کنار تمامی ویرانی‌هایی که به بار آورد باعث آشنایی دانش‌آموختگان عرب شد، آنان سعی کردند تا دید سنتی و استبدادی نسبت به زنان را تغییر داده و اندکی از رنج زنان ناشی از تبعیض جنسیتی، محرومیت از حق تحصیل و حضور در اجتماع، خشونت علیه زنان و... را کاهش دهند. (شرابی، ۱۹۲۷، ترجمه عالم، ۱۳۶۵: ۱۰۴-۹۹). تلاش آنان بی‌نتیجه نماند و پس از سپری شدن چند دهه با تأثیری که بر سیاستمداران و حاکمان نهادند تغییرات بنیادی در مسائل مربوط به

1. Arthur Schopenhauer
2. Friedrich Wilhelm Nietzsche
3. Nietzsche
4. Michelle
5. Selden

حقوق انسانی و اجتماعی زنان روی داد و جایگاه این قشر در جوامع عربی رو به بهبود نهاد. به گونه‌ای که در مصر در سال ۱۹۲۰ و در سوریه در سال ۱۹۵۳ قوانین جدیدی در مورد مسائل ازدواج، طلاق و چند همسری تصویب گردید (السید، ۲۰۰۴، ترجمه مرادی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

وضعیت زنان نیز در ایران در بسیاری از موارد همانند سرنوشت زنان در کشورهای عربی بوده است. پدیده مردسالاری مانع از بروز بسیاری از توانایی‌های زنان شده بود به گونه‌ای که «این فرهنگ و نگرش خاص مرد ایرانی به زن سبب تهی شدن زن از هویت انسانیش شده و از این منظر او را به تمکین و اطاعت فزون‌تر واداشته است» (احمدی خراسانی، ۱۳۸۲: ۱۱). «هم زمان با تغییرات سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطه و تشکیل پارلمان و مجلس، زمینه‌ی مساعدتری برای طرح مسائل مربوط به زنان و رسیدگی به حقوق آنان مطرح گردید و در این دوره بود که حرکت‌های انقلابی زنان در عرصه‌ی تحصیل و حقوق اجتماعی، از تحرک بیشتری برخوردار گردید و «محترم اسکندری» اولین انجمن زنانه را راه‌اندازی نمود» (زیبایی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۹). هم چنین از جمله زنان موفق می‌توان از فریبا وفی، پروین اعتصامی، زویا پیرزاد، سیمین دانشور، فتانه حاج محمدی نام برد، که سهم به‌سزایی را در آثارشان به نقش مؤثر زنان در جامعه اختصاص دادند. این جریان مسیر خویش را در جامعه‌ی سنتی ایران ادامه داد چنان که در دوران پس از انقلاب اسلامی، آزادی زنان در سایر عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و به خصوص ادبی گسترش و تعداد نویسندگان زن در این حیطه نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافت و صدای آنان رساتر از گذشته به گوش‌ها رسید و زمینه‌ی بازنگری در هویت زنانه و احساس لزوم نگارش ادبیاتی متفاوت با نگاه مردانه فراهم گردید (ولی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

با توجه به جایگاه دو رمان شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی و «ذاکره الجسد» از احلام مستغانمی، تاکنون پژوهش‌های زیادی در مورد آثار این نویسنده صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: عسگری حسنکلو و بیات (۱۳۹۲) در مقاله «جایگاه شوهر آهو خانم در ادبیات داستانی فارسی» به بررسی جایگاه علی محمد افغانی و رمان او در سیر تکوین و تعامل رمان فارسی پرداختند، هم چنین تأثیر نویسنده بر آثار متأثر از وی و وجوه جامعه‌شناختی و ادبی این اثر بررسی شده است.

سالمیان، آرتا و حیدری (۱۳۹۲) در مقاله «بازتاب مؤلفه‌های مکتب رئالیسم در رمان شوهر آهو خانم» با تکیه بر شاخصه‌های رئالیستی این اثر به تحلیل وقایع اجتماعی پرداخته و زوایای پنهان این وقایع را بیان کردند. حسنی رنجبر و نجفی عرب (۱۳۹۲) در مقاله «زبان و جنسیت در رمان شوهر آهو خانم» بر پایه‌ی نظریه‌های زبان‌شناختی جنسیت به مطالعه‌ی رمان شوهر آهو خانم پرداخته و میزان موفقیت نویسنده در استفاده از زبان متناسب با شخصیت‌های هم‌جنس و غیر هم‌جنس با نویسنده را بررسی کرده‌اند.

ناظمی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل داستان‌های (ذاکره الجسد، فوضی الحواس، عابر سریر) احلام مستغانمی»، عناصر داستان و مضامین این سه اثر نویسنده را مورد بررسی قرار داده است. ملاابراهیمی و صباغیان (۱۳۹۳) در مقاله «نقد جامعه‌شناسی رمان‌های سه‌گانه احلام مستغانمی (با تکیه

بر رمانتیسسم جامعه‌گرا) "در چارچوب نقد جامعه‌شناسی به بررسی آثار احلام مستغانمی و واکاوی اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه الجزایر و مسایلی چون فقر فرهنگی، تقابل سنت و مدرنیته، نابسامانی‌های اجتماعی و زخم‌هایی که استعمار بر پیکره‌ی این کشور وارد ساخته، پرداخته‌اند.

حبیبی (۱۳۹۳) در مقاله "بررسی سه مؤلفه‌ی زمانی «نظم»، «تداوم» و «بسامد» در رمان ذاکره الجسد اثر احلام مستغانمی (بر اساس نظریه‌ی زمان روایی ژرار ژنت)^(۱) سعی نموده تا مؤلفه‌های گوناگون زمانی روایی را بر اساس نظریه‌ی ژرار ژنت در اثر ذاکره الجسد بررسی نماید.

با توجه به مطالب ارایه شده پژوهش پیش رو سعی دارد تا مشکلات زنان و بیان حقوق از دست رفته‌ی آن‌ها را از ورای اندیشه‌های دو نویسنده مورد توجه قرار دهد، لذا هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه اجتماعی زنان در رمان‌های «شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی و «ذاکره الجسد» نوشته احلام مستغانمی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. جامعه پژوهش جایگاه اجتماعی زنان در ایران و الجزایر می‌باشد. نمونه مورد بررسی رمان‌های شوهر آهو خانم و ذاکره الجسد است.

روش اجرا

گردآوری داده‌های پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای با بررسی اسناد و مدارک علمی انجام شده است. به این صورت که با مراجعه به کتابخانه و نیز بررسی مجله‌ها، فیش برداری صورت گرفت و سپس با تکیه بر همین منابع، رمان‌های «شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی و «ذاکره الجسد» نوشته احلام مستغانمی، مورد تحلیل محتوایی قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها بر اساس تحلیل کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل انجام شد.

یافته‌ها

در ابتدا خلاصه‌ای از رمان‌های شوهر آهو خانم و ذاکره الجسد ارایه می‌شود:

ماجرای رمان شوهر آهو خانم از بعد از ظهر یکی از روزهای زمستان در کرمانشاه آغاز می‌شود. سیدمیران سرابی همسر آهو، مردی حدوداً پنجاه ساله و رئیس صنف نانویان کرمانشاه است. وی که تا کنون در نزد همگان به عنوان مردی متدین و پای بند به اخلاقیات شناخته می‌شد با ورود هما به زندگی‌اش، عنان از دست داده و او را به عنوان همسر دوم خویش عقد می‌کند. هما زنی مطلقه بود که با وجود داشتن دو فرزند، از همسر خویش جدا شده بود و دلیل این کار را بدرفتاری همسرش با خود بیان می‌کند. پس از

ورود هما به خانه‌ی همسرش، درگیری میان او با همسر نخست سیدمیران (آهوخانم) آغاز می‌شود. آهو که نمونه‌ی کاملی از یک زن مطیع و زحمت کش است، اکنون پس از ورود هووی جوان‌تر و زیباتر با وجود داشتن چهار فرزند، از چشم همسرش افتاده است و بارها به خاطر اعتراض به این مسئله مورد ضرب و شتم او قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، هما که نمونه‌ی زنی مدرن و سنت شکن است با سرکشی و عناد در مقابل همسرش در مقابل آهو سنت گرا قرار می‌گیرد. بیشتر وقایع داستان به درگیری میان دو هوو، بی‌اعتنایی میران در حق همسر اولش و علاقه‌ی دیوانه‌وارش به همسر دوم جریان می‌یابد و در گیرودار این داستان، شرحی از جنگ جهانی و اثرات سوء آن بر اقتصاد جامعه‌ی ایران در دوران رضاشاه به تصویر کشیده می‌شود. سرانجام روزی که سیدمیران قصد داشت تا با هما، با بازمانده‌ی پولی که از فروش خانه برجای مانده بود، بدون اطلاع همگان فرار کند، توسط آهو منصرف شده و هما با آن پول به مقصدی نامعلوم می‌رود.

رمان ذاکرة الجسد که از زبان خالد بازگو می‌شود، خاطرات مردی مبارز است که سال‌ها پس از انقلاب الجزایر، هنوز هم روحیه‌ی آزادی خواهانه‌ی خویش را حفظ کرده است. وی که اینک در پاریس زندگی می‌کند در نمایشگاه نقاشی خویش دختری جوان را ملاقات می‌کند که وی را به خاطرات بیست سال پیش سوق می‌دهد. او احلام، دختر سی طاهر، فرماندهی وی در زمان جنگ بود که قبل از انقلاب به شهادت می‌رسد و اینک به عنوان نویسنده‌ی جوان و موفق در الجزایر شناخته شده بود. ملاقات‌های وی با احلام ادامه می‌یابد و وی از تمامی رنج‌های وی آگاه می‌گردد همان گونه که وی را از خاطرات پدرش آگاه می‌سازد. سرانجام پس از مدتها بی‌اطلاعی از احلام، با تماس تلفنی از سوی سی شریف (عموی احلام) به عروسی او دعوت می‌شود. عروسی‌ای که با یک نظامی و تنها به خواست سی شریف برای دست‌یابی به منافع سیاسی خویش صورت گرفته است. نویسنده در کنار بازگویی انقلاب الجزایر و وقایع متأثر از آن، با لطافت خاص زنانه، به بیان رنج‌های زنان سرزمینش و تلاش در راه کسب حقوق پایمال شده‌ی آن‌ها پرداخته است.

وجوه اشتراک رنج زنان ایرانی و الجزایری از دیدگاه دو رمان

اشتراکات فراوان دینی، اعتقادی و فرهنگی دو کشور ایران و الجزایر در ایجاد دیدگاه‌های نزدیک به هم در امور مربوط به زنان نقشی محوری را ایفا کرده است. بازتاب این دیدگاه‌ها در دو رمان مورد بحث که به صورت کاربرد جملات و اصطلاحات با بار معنایی یکسان است، نزدیکی اندیشه‌های دو نویسنده را آشکار می‌کند که به برخی از مهم‌ترین این موارد پرداخته می‌شود:

- زورگویی و غیرت‌ورزی مردان بر زنان:

زورگویی مردان بر زنان و غیرت و تعصب شدید آنان در امور مرتبط به زنان، امری شایع در جوامع سنتی مردسالار است. نویسنده، این استبداد مردانه را در تصمیم‌گیری سیدمیران در مورد عادی‌ترین مسائل

مربوط به همسران‌ش بازگو می‌کند وقتی که با کج خلقی و زورگویی حتی اجازه خروج از منزل را به آن‌ها نمی‌دهد: «اخلاق او را می‌دانست که هر چه می‌گفت همان بود؛ در خانه یا حتی بیرون، بالای حرفش حرفی نمی‌شد، زد» (افغانی، ۱۳۸۸: ۵۹).

نمونه زورگویی مردان در حق زنان در اثر مستغانمی در ازدواج احلام بدون نظر خواهی از وی مشاهده می‌گردد که این اتفاق، نمونه‌ای آشکار از تصمیم‌گیری مردان در برخی جوانب زندگی زنان است. به گونه‌ای که خالد بیان می‌کند که دعوت از وی برای عروسی احلام تشریفاتی بوده و هیچ تأثیری بر روی منصرف کردن عمومی او از این ازدواج ندارد و اگر او را به این شخص ندهند، به شخصی دیگر که طبق میل خود آن‌هاست می‌دهند.

«أنتی أدری أن مبارکتی قضیة شکلیة، لن تقدم ولن تؤخر فی شیء، وأنه لو لم یزوجک من (سی... لکن من نصیب (سی... آخر من السادة الجدد» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۷۳) (چون می‌دانستم تبریکات من مسأله‌ای ظاهری است و باعث انجام یا عدم انجام کاری نمی‌شود و اگر او تو را به ازدواج (سی... در نمی‌آورد، نصیب یکی دیگر از (سی...‌های دیگر از نوع همین آقایان جدید می‌شدی).

- رنج جنسیتی زنان:

رنج زنان تنها به دلیل زن بودن آن‌ها و محروم شدن از حقوق خود در مقابل جنس مرد، همواره باعث آزار آنان بوده است و تلاش بسیاری از سوی مدافعان حقوق زنان در این راستا صورت گرفته است؛ این گونه است که افغانی با دیدی انتقادی و حقیرانه و به صورت مستقیم به بحث در این رابطه پرداخته و محروم شدن کلارا از حق مساوی با برادرانش که تنها به خاطر دختر بودنش است را شاهد مثال آورده: «دست در جیب کرد و مشتی پول خرد بیرون آورد. چون فقط یکی از سکه‌ها پنج شاهی بود آن را به کلارا داد و این هم یکی از بدی‌های دختر بودن و خوبی‌های پسر بودن است؛ زیرا نصیب بهرام در همان حال یک سکه دهشاهی نو و براق گردید» (افغانی، ۱۳۸۸: ۲۶۸).

رنج جنسیتی زنان از سوی نویسنده ذکره الجسد نیز روالی هم‌سو با نویسنده شوهر آهو خانم طی می‌کند. مستغانمی نیز با همان دید انتقادی به رجحان جنس مذکر بر مؤنث از سوی مردم سرزمینش اشاره می‌کند و تصمیم پدرش را در انتخاب نام پسر برای فرزندش برای امید داشتن به این اتفاق و ترجیح دادن پسر بر دختر تا جایی که حتی در برابر دختر بودن فرزندش تجاهل می‌کرد، نمونه‌ای از این اتفاقات ناخوشایند نزد نویسنده است: «و لا أدری إذا كان (سی الطاهر) فی أعماقه یفصل لو كان مولوده صبیاً... أدری فقط، كما علمت فیما بعد، أنه حاول أن يتحاول علی القدر و أن یترك قبل سفره اسماً احتیاطیاً لصبی، متجاهلاً احتمال معیة أنتی» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۳۸) (نمی‌دانم آیا سی طاهر در اعماقش ترجیح می‌داد که فرزندش پسر باشد یا نه... فقط می‌دانم، یعنی بعد فهمیدم که او سعی کرده بود تا سرنوشت را بفریبد و قبل از آخرین سفرش اسم پسر را احتیاطاً بر او بگذارد و در برابر احتمال دختر بودن نوزاد تجاهل کند).

- کار اجباری خانگی زنان:

وظایف سنگین کار خانگی در جوامع سنتی که گاه بسیار سخت و خارج از توان زنان است، معضل دیگری است. شکایت آهو از مشهدی نبی به خاطر انجام کارهای دشوار و سنگین توسط همسر بیمارش که حتی با وجود بیماریش ناگزیر به انجام آن است به عمق فاجعه‌ای اشاره می‌کند که اهمیتی در جهت بهبود آن داده نمی‌شود: «بیچاره علیل است، تاب برداشتن بار را ندارد، آن وقت کار سنگین هم می‌کند. باید بگویم، مشهدی نبی! خون این بچه گردن توست. هیچ به فکر آسایش و سلامت زنت نیستی. لااقل برای او یک کلفتی بگیر.» (افغانی، ۱۳۸۸: ۶۸۳).

این حکایت در مورد زنان الجزایری نیز صادق است و طبق گفته‌های مستغانمی که خالی از کنایه نیستند، این زنان بیشتر روزها به اندازه یک مهمانی غذا درست می‌کنند درحالی که خود اکثراً گرسنه می‌خواهند و این رنجی است که قرن‌ها متحمل شده‌اند: «لقد كنّ فی الواقع يطعمن کلّ یوم أكثر من مائده... و أكثر من «تراس»... و ینمن کلّ لیلة دون أن ینتبه أحد إلى جوعهنّ المتوارث منذ عصور» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۰۸) (آن‌ها در حقیقت هر روز چیزی بیش از اندازه یک ضیافت اطعام می‌کردند... چیزی بیش از یک مهمانی دادن... و شب‌ها را گرسنه می‌خوایدند بی آنکه کسی قرن‌ها به گرسنگی موروثی‌شان توجه کرده باشند).

- محرومیت از تحصیل

تعصبات کورکورانه‌ی برخی مردان در جوامع سنتی، زنان را از حقوق انسانی خود در کسب دانش بازداشته است. سیدمیران از جمله این مردان است که سعی می‌کرد دخترش را از رفتن به مدرسه منع کند: «سیدمیرانی که زورش می‌آمد دختر یازده ساله‌اش به مدرسه برود و برای زن جماعت سواد را عیب می‌دانست» (افغانی، ۱۳۸۸: ۲۹۸).

این گونه مردان، تحصیل را برای زنان امری غیر واجب و چه بسا اضافی می‌دانستند: «کلارا نیز دیگر لازم نیست به مدرسه برود. به چه دردش می‌خورد. زندگی برای او مهم تر از هر چیز است» (افغانی، ۱۳۸۸: ۵۴۷). مستغانمی در متن زیر با صراحت تمام از محرومیت زنان از حق تحصیل، کار و نویسندگی در گفت‌وگوی میان خالد با احلام می‌پردازد: «انه لم يتوقع أيضاً لك مستقبلاً كهذا. إنك لاتعین أن یكون لك اليوم هذا الحظ الاستثنائي، فی وطن یمنحك فرصة أن تكونی فتاة مثقفة، یمكنها الدراسة والعمل و حتی الكتابة» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۰۵) (او برای تو هم، چنین آینده‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرد. تو به خودت نگاه نکن که امروز این فرصت استثنایی را داری تا در جایی زندگی کنی که بتوانی دختری روشنفکر باشی، بتوانی کار کنی و درس بخوانی و حتی بنویسی).

- ازدواج اجباری و زود هنگام دختران:

ازدواج زنان در سنین پایین و ورود زود هنگام آنان به زندگی متاهلی و بر عهده گرفتن مسئولیت‌های آن، از محوری‌ترین عواملی است که زنان را از پیشرفت‌های مهم زندگی از جمله تحصیلات در مقاطع

بالا تر و حتی حضور بیشتر در جامعه و پرداختن به کار و علاقه مندی هایشان محروم می کند. «از لحاظ سیدمیران، دختر را از همان موقع که پا به سال نهم می گذاشت بالقوه عروس می دانست» (افغانی، ۱۳۸۸: ۵۴۱) و این سرنوشتی بود که بر سر اکثر زنان رمان آهو خانم آمده بود و اینک در کمین کلارا دختر آهو بود: «از زنان و حتی دختران جوان هیچ عرف و عادت و قانون یا نظم اجتماعی محکمی حمایت نمی کرد؛ ازدواج، قماری بود که معمولاً با دغلبازی شروع و با نقض اصول و عهد شکنی پایان می یافت و این همان چیزی بود که بر سر خود آهو آمده بود» (افغانی، ۱۳۸۸: ۶۹۷).

ازدواج اجباری و بدون نظرخواهی از دختران در رمان ذاکره الجسد جایگاه بسیاری را به خود اختصاص داده است و بحثی است که در طی گفت و گوهای میان شخصیت های داستان به آن پرداخته می شود از جمله در گفت و گوی احلام با خالد در مورد پدر و مادرش، احلام اذعان می دارد که مادرش بسیار کم از پدرش صحبت می کند چرا که ازدواجش با او بدون رضایت وی و به اجبار بوده «لقد كانت قليلة الحديث عنه... ربما كانت في أعماقها تعتب على الذين زوجوها منه...» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۰۸) (بسیار کم درباره ی او صحبت می کرد... شاید در اعماقش آنهایی را که باعث و بانی ازدواجش شده بودند سرزنش می کرد). ناصر (برادر احلام) نیز در مورد ازدواج خواهرش، کاملاً مخالف با عمویش است. او اعتقاد دارد که این ازدواج بدون رضایت احلام و به اجبار عمویش، برای کسب منافع سیاسی است: «إنه على خلاف مع عمه. فهو يعتقد أنه استفاد كثيراً من اسم سي طاهر، وهذا العروس لا هدف له غير أسباب وصوليه و مطامع سياسيه محض» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۳۴۶) (او با عمویش اختلاف دارد، فکر می کند که او خیلی از نام سی طاهر سوء استفاده کرده است، این عروسی هم هدفی ندارد جز واسطه گری و مطامع سیاسی محض).

- توهین و تحقیر زنان:

توهین به زنان و تحقیر آنان در فرهنگ سنتی مردسالار از گذشته های دور، و در هر دو رمان، نمونه های فراوانی از آن توسط نویسندگان بیان شده است. خطاب کردن زن ها با الفاظی مانند: ضعیفه، زنک، مکار، خودنما، چشم و هم چشم گر و... توسط مردان داستان در رمان شوهر آهو خانم بارها و بارها تکرار گشته است:

«ضعیفه سماور را آتش کرده ای یا نه؟» (افغانی، ۱۳۸۸: ۲۷۶). «زنی که نادان مگر بچه شده است» (افغانی، ۱۳۸۸: ۶۶۸). «بینم این ضعیفه چه می گوید» (افغانی، ۱۳۸۸: ۷۴۴).

این مسئله از چشم نویسنده ی رمان عربی نیز پنهان نمانده و نمونه هایی از آن را از زبان مردان داستانش در مورد زنان بیان می دارد مثلاً زیاد (دوست نویسنده ی خالد) قبل از ملاقاتش با احلام با بیان عباراتی مانند "زنانی که سعی می کنند به اسم ادبیات، مناسبات دیگر را تلافی کنند"، "ترشیده" و "در سن یأس" در مورد زنان نویسنده، به تحقیر و بدگویی از آن ها می پردازد: «أنا اكره النساء عندما يحاولن ممارسة الأدب تعويضاً عن ممارسات أخرى... أتمنى ألا تكون صديقك هذه عانساً، أو امرأة في سن اليأس... فأنا لاصبر

لی علی هذا النوع من النساء!» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۹۷) (من از زنانی که سعی می‌کنند به اسم ادبیات، مناسبات دیگری را تلافی کنند، متنفرم... امیدوارم که این دوست، ترشیده یا در سن یأس نباشد... من طاقت این طور زن‌ها را ندارم!).

وجوه افتراق رنج زنان ایرانی و الجزایری از دیدگاه دو رمان

با وجود تمامی اشتراکات موجود در اندیشه‌های دو نویسنده، تعلق داشتن به دو سرزمین مجزا با فرهنگ و اصول مختص به خود، تفاوت‌های چندی را در شیوه‌ی برخورد با زنان و حقوق مربوط به آن‌ها در آثار مستغانمی و افغانی به نمایش گذاشته است. به برخی از این موارد، اشاره می‌شود:

- اِعمال خشونت علیه زنان:

برخورد خشن با زنان که گاه همراه با آزار جسمانی بوده است، در اثر افغانی برخلاف اثر مستغانمی که مناسب با روند داستان، مجالی برای پرداختن به آن نبود، بازتابی وسیع دارد و بارها نویسنده به توهین‌های سید میران و در ادامه، کتک‌زدن همسرش پرداخته است و نه تنها از این کار خود احساس پشیمانی نمی‌کرد، بلکه برای مرتبه‌ی بعد نیز آن را بی‌درنگ تکرار می‌کرد:

«مردک کج خلق دست زن و هم چنین بچه‌های خود را می‌گرفت و بی‌صدا به اطاق می‌برد؛ در را از داخل می‌بست. کمر بندش را باز می‌کرد و از دم یکی یکی همه را به باد کتک می‌گرفت» (افغانی، ۱۳۸۸: ۳۱۶).
«به داخل اطاق که رسیدند بدون هر گونه مقدمه یا ملاحظه و پروا و با غضب هر چه تمام‌تر باران مشت و لگد و سیلی بر سر زن بیچاره باریدن گرفت» (افغانی، ۱۳۸۸: ۳۱۵).

- بازتاب منفی طلاق بر زندگی زنان مطلقه:

طلاق برای زنان داستان شوهر آهو خانم، به خاطر تمامی عذاب‌هایی که پس از آن دامن گیر آنان می‌شود چندان هم نقطه‌ی امیدواری و رهایی از مشکلات نیست. حال آنکه از طلاق زنان و رنج پس از آن در اثر مستغانمی چندان سخنی به میان نیامده است و این نشأت گرفته از عدم توانایی زنان عرب در طلاق از همسران شان بوده است. در معرض گزند اجتماع قرار گرفتن زنان بی‌سرپرست پس از طلاق همان گونه که سیدمیران در مورد فرجام هما نگران است از دیگر مشکلات زنان مطلقه است که به دلیل از دست دادن حمایت خانوادگی خود شدت بیشتری می‌یابد: «طفلك هنوز جوان‌تر از آن است که بداند طلاق یعنی چه، که بفهمد برای زن بچه‌سال چون او، در شهر بزرگ و زمانه‌ی خراب، بیوه شدن و بی‌سرپرست ماندن چه معنی‌ها در بر دارد!» (افغانی، ۱۳۸۸: ۴۶).

محروم شدن زنان از دیدار فرزندان شان و نگرانی از سرانجام آنان از دیگر معضلات زنان پس از طلاق است: «او از گرو نگه داشتن بچه‌های عزیز من چه نفعی می‌برد؟ آیا می‌خواهد مرا شکنجه بدهد یا اینکه

آن‌ها را باز هم بیشتر از آنچه هستند در غم دوری مادر زرد و زار بکند، کدامیک؟!» (افغانی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

- ایفای نقش‌های مردانه:

فعالیت زنان هم‌پای مردان در کارهای بیرون از منزل، تا حدودی در جامعه‌ی ایرانی در مقابل الجزایری‌ها پذیرفته شده است. به گونه‌ای که بسیاری از زنان داستان، در کنار مردان به انجام کارهای سخت مشغول بوده‌اند. در حالی که امکان فعالیت بیرون از خانه برای زنان عرب فراهم نبوده است:

«آهو از خاله تشتی برای خمیر کردن و ساجی برای نان پختن به امانت گرفت و به هر جان‌کنندی بود سر نبش چهار سوق دکانی علم کردند. روزها هنگامی که او پی هیزم یا آرد ارزان‌خر به سراب و سر راهها به بُزگیری می‌رفت، این زن مثل یک مرد در دکان می‌ماند؛ با گوشه‌ای از سربند کُردیش جلوی دهان و بینی را می‌پوشاند؛ آستین‌ها را تا آرنج بالا می‌زد، نام خدا را به زبان می‌آورد و مشغول به کار می‌شد. خودش خمیر می‌کرد، خودش چونه می‌گرفت و خودش نیز می‌پخت و می‌فروخت» (افغانی، ۱۳۸۸: ۶۹)

«غیر از مردهای این دو خانواده، زنها و حتی بچه‌های آن‌ها نیز کار می‌کردند» (افغانی، ۱۳۸۸: ۷۱).

- تلاش زنان در بیان برتری بر مردان:

بر خلاف شخصیت‌های زن رمان فارسی که اکثراً برتری قدرت مرد بر خود را پذیرفته‌اند، در گفت‌وگویی که میان دو شخصیت اصلی داستان (احلام و خالد) پیش می‌آید، احلام به بیان خیال و وسیع‌تر در امر نویسندگی برای زنان نسبت به مردان می‌پردازد و خواهان اقرار مردان به این امر است: «و یکفنی کاتبهٌ أن تکتب قصه حبّ واحدة، لنتجه کلّ أصابع الاتهام نحوها، وليجد أكثر من محقق جنائي أكثر من دليل على أنّها قصتها. أعتقد أنّ لا بد للنقاد من أن يحسموا يوماً هذه القضية نهائياً، فإما أن يعترفوا أنّ للمرأة خيلاً يفوق خيال الرجال، وإما أن يحاكمونا جميعاً!» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۲۶) (کافی است یک زن یک قصه‌ی عاشقانه بنویسد تا انگشتان اتهام به سوی او دراز شوند و بازرسین جنایی دلیل‌های مختلفی برای اینکه قصه، قصه‌ی زندگی اوست، بیاورند. فکر می‌کنم منتقدان باید به‌طور نهایی تکلیف خود را با این موضوع روشن کنند، یعنی این که یا اعتراف کنند که تخیل زنان از مردان بیشتر است، یا آن که همه‌ی ما را محکوم کنند!).

بحث و نتیجه‌گیری

علی‌محمد افغانی و احلام مستغانمی در آثار خود واقعیت‌های زندگی جامعه ایرانی و الجزایری را به تصویر کشیده‌اند. هر دو نویسنده با وجود جنسیت متفاوت و زندگی در دو سرزمین مجزا، با تمامی تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، زبانی و... به خوبی توانسته‌اند دیدگاه‌های مثبت خویش را در مورد حقوق پایمال شده‌ی زنان و تلاش در ارائه‌ی تصویری حقیقی از آن ارائه دهند. آن چه در آثار این دو نویسنده، نمود بیشتری دارد، درد و رنج جنسیتی زنان در فرهنگ متعصب مردسالار و تلاش برخی از زنان برای رهایی از

سنت‌های منسوخ جامعه است. در بحث آلام مشترک زنان هر دو رمان، مسائلی چون: ازدواج اجباری، کار خانگی طاقت‌فرسا، محرومیت از تحصیل و تحقیر زنان مشاهده شد، این مشکلات که تبدیل به دغدغه‌های اساسی زنان شده است با سنت‌شکنی برخی از زنان داستان، رو به بهبودی نسبی می‌نهد و در بحث افتراقات به تفاوت مسائلی چون آزار جسمانی زنان توسط همسران شان، ایفای نقش‌های مردانه‌ی زنان، طلاق برای رهایی از همسر آزاری پرداخته شد. در ورای افکار نهفته دو اثر، این‌گونه استنباط می‌گردد که ایران و الجزایر همانند بسیاری از کشورهای جهان سوم شرقی گرفتار مسائل مشترکی هستند که در پهنه‌ی ادبیات و با ابزار قلم، امید بیشتری بر فائق آمدن بر آن‌ها وجود دارد و نویسندگان با کشف جایگاه والای خویش در این میان، گام‌های مؤثری برداشته‌اند.

تعارض منافع: نویسندگان (نویسنده) تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد. این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

سپاسگزاری: نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از افرادی که در انجام این پژوهش یاری رساندند تشکر و قدردانی به عمل آورند.

منابع

- احمدی خراسانی، نوشین. (۱۳۸۲). تمکین زن ایرانی، شیوه‌ی معتاد زندگی زندگی اوست. مجموعه مقالات زنان زیر سایه‌ی پدرخوانده‌ها، ۱۱۶-۱۰۷.
- افغانی، علی محمد. (۱۳۸۸). شوهر آهو خانم. چاپ سوم. تهران: انتشارات دنیای دانش.
- السید، رضوان. (۲۰۰۴). اسلام سیاسی معاصر. ترجمه مجید مرادی. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات باز.
- الموسوی، ام عمار. (۱۳۸۱). زینب فواز پیشگام نهضت زنان در جهان اسلام. مجله پیام زن، ۱۳۱، ۱۰-۱۷.
- حبیبی، علی اصغر. (۱۳۹۳). بررسی سه مؤلفه‌ی زمانی «نظم»، «تداوم» و «بسامد» در رمان ذاکرة الجسد اثر احلام مستغانمی (بر اساس نظریه زمان روایی ژرار ژنت. مجله زبان و ادب عربی، ۱۰، ۲۹-۶۱.
- حسینی رنجبر، احمد، نجفی عرب، ملاحظ. (۱۳۹۲). زبان و جنسیت در رمان شوهر آهو خانم. فصلنامه مطالعات نقد ادبی، ۱، ۳۰.
- زیبایی نژاد محمد رضا، سبجانی، محمد تقی. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. چاپ سوم. تهران: نشرهاجر.
- سالمیان، غلامرضا، آرتا، سیدمحمد، حیدری، دنیا. (۱۳۹۲) بازتاب مؤلفه‌های مکتب رئالیسم در رمان شوهر آهو خانم. مجله زبان و ادبیات فارسی، ۷۵، ۴۶-۱۷.
- سلدن، رامان. (۱۹۹۴). راهنمای نظریه‌ی نقد ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر. (۱۳۷۲). تهران: طرح نو.

- شرابی، هشام. (۱۹۲۷). روشنفکران عرب و غرب. ترجمه عبدالرحمن عالم. (۱۳۶۹). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عسگری حسنگلو، عسگر، بیات، حسین. (۱۳۹۲). جایگاه شوهر آهو خانم در ادبیات داستانی فارسی. *مجله زبان و ادبیات فارسی*، ۱۹، ۴۷-۲۹.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۸۱). *سیر حکمت در اروپا*. تهران: انتشارات زوار.
- قطب، محمد. (بی‌تا). *جامعه‌شناسی زن*. ترجمه محمدعلی عابدی. تهران: انتشارات البرز.
- مردانی، خیرالله. (۱۴۰۰ق). *حقوق زن از نظر تاریخ ملت‌ها و اسلام*. تهران: انتشارات آیین جعفری.
- مستغانمی، احلام. (۲۰۱۲). *ذاکره الجسد*. الطبعة الخامسة عشرة. بیروت: دار الأدب.
- ملاابراهیمی، عزت، صباغیان، علی. (۱۳۹۳). نقد جامعه‌شناسی رمان‌های سه‌گانه احلام مستغانمی (با تکیه بر رمانتیسیم جامعه‌گرا). *نشریه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*، ۳، ۳۷۶-۳۶۱.
- میشل، آندره. (۱۹۹۸). *جنبش اجتماعی زنان*. ترجمه هما زنجانی زاده. مشهد: نشر نیکا.
- ناظمی، زهرا. (۱۳۹۰). *بررسی و تحلیل داستان‌های (ذاکره الجسد، فوضی الحواس، عابر سریر) احلام مستغانمی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما فاطمه قادری، دانشگاه یزد.
- نیچه، فردریش. (۲۰۰۰). *فراسوی نیک و بد*. ترجمه داریوش آشوری. (۱۳۹۷). تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ولی‌زاده، وحید. (۱۳۸۷). *جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی*. فصلنامه نقد ادبی، ۱(۱)، ۲۲۴-۱۹۱.



Social Status of Women in “Ahoor Khanom’s Husband” and “Zakerato Aljasad” Novels

P. Salehi*

Abstract

The present research intended to investigate the social status of women in the novels; “Ahoor Khanom’s Husband” written by Ali Mohammad Afghani and “Zakerato Aljasad” by Ahlam Mosteghanemi. The research universe included social status of women in Algeria and Iran. The sample subsumed the novels; “Ahoor Khanom’s Husband” and “Zakerato Aljasad”. The research was designed as analytical and descriptive type. The data were collected through library study via reviewing scientific documents with emphasizing on the above mentioned scripts. The data were analyzed by qualitative analysis based on descriptive approach. The findings revealed that both authors despite their gender, cultural, social and linguistic differences, could properly and realistically portrayed women’s violated rights images. Some common issues were seen in both novels including forced marriage, domestic work burden, deprivation of education and humiliation of women. Such problems which became major concerns for women was relatively improved by some novel women iconoclasm. In discussion about discriminations, problems such as physical abuse of women by their husbands, women role playing as men, divorce to emancipate of spouse abuse were indeed mentioned.

Keywords: social status, women, “Ahoor Khanom’s Husband” novel, “Zakerat-Aljasad” novel

* Associate Professor, Department of Arab Language and Literatures, Ilam University, Ilam, Iran. (corresponding author, Email: p.salehi@yahoo.com)